

# درختی در دیده‌ی ساری سعدی

جواد عبداللہمی پور - قم

شیخ اجل، سعدی شیرازی، شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم، در سال ۶۵۵ هجری، منظومۀ ارزشمند اخلاقی و تعلیمی خود را درده باب به نام «سعدی‌نامه» یا «بوستان» تنظیم کرد که بیانگر اندیشه‌های بلند و ناب سعدی در حوزه «اخلاق و تربیت» است و در سال ۶۵۶ هجری، کتاب گران سنگ «گلستان» را در هشت فصل و به نشر مسجّع فراهم آورد که هم در نثر مسجع بی‌همتاست و هم در بیان سعدی از اخلاق و آداب مردم دنیا در طول سفر سی ساله. دکتر غلام حسین یوسفی می‌نویسد:

«صفت گلستان، یعنی نمایش حقیقی و گرم و زنده از دنیا، خود امتیاز و اختصاصی است برای این کتاب. در «گلستان» انسان با دنیایی سروکار دارد محسوس و واقعی، نه فقط با عالم نگارین و خیال آمیز اهل اخلاق که غالباً لمس نشدنی است و دور از دسترس» (یوسفی، ۱۳۵۵، ص ۲۵۹).

سعدی در این دو اثر ممتاز، به دنبال آموزش حکمت



نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی  
آبان ۱۳۸۶  
شماره ۳۲۷

به سوی کمال و رشد رهنمون گردد. در دیباچه گلستان می‌خوانیم:

گلی خوشبوی در حمام روزی  
رسید از دست محبوی به دستم  
بدو گفتم که مشک یا عبیری  
که از بسوی دلاویز تو مستم  
بگفتا من گلی ناچیز بودم  
ولیکن مدتی با گل نشستم  
کمال هم نشین در من اثر کرد  
وگرنه من همان خاکم که هستم

ناگفته پیداست که در انسان استعداد نیکی و بدی با هم وجود دارد؛ پس انسان باید از هم نشینی با نا اهلان و بدان بپرهیزد، زیرا کمترین و ناچیزترین اثر هم نشینی با افراد پست، اتهام بدنامی است. گرچه در اکثر موارد، هم نشینی با افراد ناشایست انسان را به ورطه‌های هولناک نیستی و فنا می‌کشاند که هزاران بار از بدنامی بدتر است.

**سعدی در باب هشتم گلستان آورده است:**

«هر که با بدان نشیند اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند؛ به طریقت ایشان متهم گردد و گر به خراباتی رود به نماز کردن، منسوب شود به خمر خوردن».

از دیگر رو، گمراهان و نادانان، دیوهایی اند که در ظاهر «آدمی» جلوه می‌کنند و به شکار انسان‌های سالم و ساده می‌شتابند و طبیعتی است که «شیطان» در «گمراه سازی» استوار و ثابت قدم است.

ای بسا ابلیس آدم رو که هست  
پس به هر دستی نباید داد دست

انسان در طول زندگی خود همواره ناگزیر از گزینش دوست و همدم و هم‌نشین است که بر می‌تابد انسان با دقت و تیزبینی به این مهم بپردازد. باید از «شیطانان آدمی نما» و «نادانان» گریخت. سعدی می‌فرماید:

طلب کردم ز دانایی یکی بند  
مرا فرمود: با نادان میبند

در این باره پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: **مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ مَثَلُ الْعَطَّارِ اِنْ لَمْ يَجِدْكَ مِنْ عَطْرِهِ عَلَفَكَ مِنْ**

عملی برای رسیدن انسان به یک زندگی روبه رشد و کمال و همراه با رستگاری و سعادت‌مندی است. از این روست که همواره در نقش یک اندرزگو و نیکخواه، به دیگران نصیحت می‌کند.

خوی سعدی است نصیحت، چه کند گر نکند  
مشک دارد، نتواند که کند پنهانش

هدف بلند سعدی در تربیت، رسیدن به خود باوری و ایمان است. بدیهی است انسان‌های «مؤمن» و «خودباور»، هم برای خانواده و هم برای جامعه سودمندند. پس بر ماست که در تربیت نوآموزان خردسال، سهل‌انگاری نکنیم تا فرزندان ما دین‌دار، پرهیزگار، خوش‌خو، فروتن، حق‌شناس و ثابت‌قدم بار بیابند. باب هفتم بوستان و فصل‌های هفتم و هشتم گلستان، بیش از دیگر فصل‌ها ما را با باورهای سعدی در حوزه تربیت آشنا می‌کند. در این جا، به صورت گذرا به برخی از دیدگاه‌های سعدی می‌پردازیم.

**یکم: محیط در تربیت مؤثر است.**

استاد مصطفی دلشاد تهرانی در این باره می‌نویسد: «محیط تربیتی عبارت است از تمام عوامل خارجی که انسان را احاطه کرده و او را از آغاز رشدش تا زمان مرگش تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنانچه در عوامل محیطی دقت کنیم آن‌ها را بسیار و فراوان می‌یابیم، به طوری که هر چه انسان رشد می‌کند؛ دایره عوامل محیطی او نیز گسترش می‌یابد» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷).

البته عوامل محیطی فراوان‌اند و مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- خانه و خانواده
- ۲- مدرسه
- ۳- اجتماع
- ۴- رفاقت و معاشرت

سعدی بر این باور است که اگر «محیط زندگی» مناسب و سالم باشد، همچون باغی است که می‌تواند «کیمیگری» کند و از «گیل»، «گل» بسازد و انسان را



رِيحَهُ وَ مِثْلَ الْجَلِيسِ السُّوءِ مِثْلُ الْكَبِيرِ إِنْ لَمْ يُحْرِقْكَ نَالِكَ مِنْ شَرِّهِ.

مثل هم‌نشین صالح مثل عطار است که اگر از عطر خود تو را بهره‌مند نسازد، بوی خوش آن در تو آویزد و حکایت هم‌نشین بد مثل آهنگری است که اگر آتش آن تو را نسوزاند، شرار و جرقه آن در تو آویزد (احمد بن حنبل، صص ۴۰۴ و ۴۰۵).

**دوم: وراثت، عامل مهم و مؤثر در تربیت است.**

دکتر سید محمد باقر حجتی می‌نویسد:



«وراثت» به عنوان عامل مؤثر، توجه ویژه داشته باشیم.

در باب هفتم گلستان می‌خوانیم:

چون بُود اصل گوهزی قابل

تربیت را در او اثر باشد

هیچ صیقل نکونداند کرد

آهنی را که بد گهر باشد

گرچه امروز می‌بینیم که می‌توان با سالم سازی محیط و دور کردن نوآموزان از هم‌نشینی با افراد ناهل آنان را در مسیر رشد و کمال، راهنمایی و همراهی کرد.

بی‌تردید باید برای میزان تأثیر وراثت حدی قایل شد و نیز میزان شایستگی یا ناشایستگی نوآموزان را به دقت بررسی کرد. استاد مصطفی دلشاد وراثت را عامل مؤثر در تربیت می‌داند، نه مسلط در تربیت.

در هر حال «وراثت» در تربیت، نقش بزرگی دارد و سعدی معتقد است:

پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است

تربیت، ناهل را چون گردگان بر کند است

در کلام بلند معصومان علیهم‌السلام نیز بر اهمیت این عامل بسیار سفارش شده است، از جمله مولا علی (ع) می‌فرماید:

حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ. خوش خلقی، نشانه و دلیل پاکی و فضیلت ریشه خانوادگی است (غررالحکم، جلد اول، ص ۳۴۰).

بدیهی است دیگر عوامل مؤثر در تربیت، اگر به تمامی به کار بیایند، می‌توانند انسانی را با «وراثتی ناسالم» به سوی خوش بختی رهنمون شوند.

**سوم: تربیت باید از کودکی آغاز شود.**

هم‌زمان با رشد جسمی و عقلی کودک باید کار تربیتی به تناسب فهم و درک فرزند آغاز شود. زیرا زندگی کودک در گرو تربیت اوست و از دید سعدی کودک بی‌تربیت، باعث فراموشی نام و یاد والدین می‌شود.

در این باره سعدی در باب هفتم «بوستان» می‌آورد:

«وراثت عبارت از یک نیروی طبیعی است که به وسیله آن، صفات از اصل به نسل منتقل می‌شود ... به عبارت روشن‌تر، وراثت عبارت از انتقال بسیاری از صفات جسمانی و روانی و مجموعه‌ای از حالات اخلاقی و عملی از پدر و مادر یا خویشاوندان به نسل‌های بعدی است» (حجتی، ۱۳۶۸، ص ۷۹).

سعدی، نقش وراثت را بسیار برجسته می‌داند و می‌گوید جنس ناقابل، تربیت ناپذیر است و باید به

چو خواهی که نامت بماند به جای  
 پسر را خردمندی آموز و رای  
 که گر عقل و طبعش نباشد بسی  
 بسیری و از تو نماند کسی

کودک دقیقاً مثل چوب تازه نهالی است که به راحتی می‌توان با مراقبت، کنترل و محافظت از کجروی آن جلوگیری کرد و آن را به دلخواه رشد داد. نیک پیداست که ذره‌ای تأخیر، درنگ و سهل‌انگاری و بی‌توجهی در این راه زیان‌هایی جبران‌ناپذیر به دنبال خواهد داشت:

هر که در خردیش ادب نکنند  
 در بزرگی فلاح از او برخاست  
 چوب تر را چنان که خواهی پیچ  
 نشود خشک جز به آتش راست

#### چهارم: کودک نباید نازپرورده بار بیاید.

ناز پروردگی آدمی را آسیب‌پذیر می‌کند و چون از قدرت مقاومت انسان در برابر طوفان حوادث می‌کاهد، خود عامل غلبه درشتی‌ها و سختی‌های روزگار می‌شود. از این رو مانع بزرگی در تربیت است و اجازه شکوفا شدن بسیاری از استعدادها را نمی‌دهد. باین حال سعدی سفارش می‌کند که باید نیازهای کودک را تأمین کرد تا هرگز خود را نیازمند دیگران نداند، زیرا ممکن است برای رفع نیازهای خود به دام نااهلان درافتد.

پسر را نکودار و راحت رسان  
 که چشمش نماند به دست کسان  
 هر آن کس که فرزند را غم نخورد  
 دگر کسش غمش خورد و بد تمام کرد

می‌نویسد:

«هیچ چیز مانند تنعم و نازپروردگی روحیه انسان را ضعیف و ناتوان و اخلاق را پست و تباه نمی‌سازد و راه سیر به سوی کمال بر آدمی نمی‌بندد. حافظ می‌فرماید:

ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست  
 عاشقی شیوه زندان بلاکش باشد»

(سیری در تربیت اسلامی، ص ۱۳۳)

#### پنجم: عامل بودن مربی و معلم مؤثر است.

اگر آموزنده‌ای به دانش و گفته‌های خود جامه عمل

با این حال یادآور می‌شود که این تأمین نیازهای کودک و فرزند نباید همراه با نازپروردگی باشد، زیرا «نازپروردگی» هرگز نشانه دوستی نیست.

بنا روزگارا که سختی برد  
 پسر چون پسر نازکش پرورده  
 خردمند و پرهیزگارش برآرد  
 گرش دوست داری به نازش مدار

می‌بینیم که سفارش سعدی آن است که برای «خردمندی» و «پرهیزگاری» فرزند خود، سرمایه‌گذاری کنیم، نه برای نازپروردگی او. استاد مصطفی دلشاد

۳۵

پسند

نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی  
 آبان ۱۳۸۶  
 شماره ۳۳۷





نپوشانند و صرفاً در نقش یک موعظه‌گر ظاهر شود؛ نه تنها کار تربیتی نکرده، بلکه ضد «تربیت» عمل کرده است. جالب است که همه فراگیران از کنارچینین افرادی بسا بی‌اعتنایی می‌گذرند و اگر به جبر و قهر پای درس و کلاس چنین افرادی بنشینند، «حاضر غایب» اند!

به‌طور کلی، میزان ارزش و اعتبار آموزندگان و تربیت‌کنندگان به میزان هماهنگی گفتار و کردار آنان بستگی مستقیم دارد. در سیره بزرگان علم اخلاق و تربیت، هماهنگی و سازگاری گفتار و کردار به روشنی دیده شده است، چه در این صورت کار تربیتی مؤثر و سودمند است.

سعدی در گلستان می‌آورد:

«فقیهی پدر را گفت: هیچ از این سخنان رنگین دلاویز متکلمان در من اثر نمی‌کند، به حکم آن که نمی‌بینم مر ایشان را فعلی موافق گفتار.»

ترک دنیا به مردم آموزند  
خویشان سیم و غله اندوزند  
عالی را که گفت باشد و بس  
هر چه گویند نگیرد اندر کس  
عالم آن کس بود که بد نکند  
نه بگوید به خلق و خود نکند

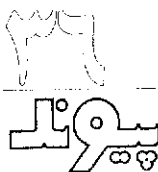
أَنَا مُرُونَ النَّاسَ بِالْبَرِّ وَ تَسُونَ أُنْفُسَكُمْ

عالم که کامرانی و تن پروری کند  
او خویشان گم است که راهبری کند؟  
در این مورد نمونه‌های فراوان در آثار سعدی وجود دارد که ذکر همه آنها در این مجال نمی‌گنجد.

**ششم: تشویق و تنبیه دو عامل مؤثر در تربیت است.**

باور سعدی آن است که باید در کارهای تربیتی، درشتی و نرمی را در هم آمیخت؛ نه یکسره خشم و خشونت پیشه کرد و نه لطف و نرمی را فقط اختیار نمود. از دیدگاه سعدی، کار تعلیم و تربیت به کار پزشکان جراح مانند است که برای حفظ سلامت جسم انسان، پاره‌ای از بدن را می‌شکافند و بعد از شکافتن، خود نیز روی آن مرهم می‌گذارند تا درمان شود.

در حکایت هجدهم باب هشتم گلستان آمده است:  
«خشم بیش از حد گرفتن، وحشت آورد و لطف



بی وقت، هیبت ببرد. نه چندان درشتی کن که از تو سیر گردند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر شوند.

درشتی و نرمی به هم دریه است

چون فاصد که جراح و مرهم یه است

درشتی نگیرد خردمند پیش

نه سستی کینه ناقص کند قسدر خویش

اگرچه تنبیه در مواردی خاص و ویژه بهترین - و شاید تنهاترین - وسیله بیداری و مایه حیات بخشی است؛ در اکثر موارد تشویق بر آن برتری دارد، چون تنبیه اصالت ندارد. پیامبر خدا نیز می فرماید: «رحمت من از غضب من پیشی گرفته است». تشویق، اصولاً باعث انبساط خاطر و موجب حس توانمندی در انسان می شود و تشویق است که انسان را در خود شکوفا می کند و او را دلگرم می سازد و میل به کمال و رشد را در انسان افزایش می دهد.

سعدی نیز تشویق را مناسب تر و سزاوارتر از تنبیه و مجازات می داند. روشن است که تهدید و تنبیه به تنهایی نه تنها کارساز نیستند بلکه موجب گستاخی و دلیری می شوند و انسان را به عکس العمل های منفی و غیرمنطقی وا می دارند.

پس فراموش نکنیم که با هر بیمی و تهدیدی نشانی از امید همراه کنیم و تاجایی که ممکن است از تنبیه پرهیز کنیم و تشویق را جایگزین نماییم. از تنبیه معمولاً به عنوان آخرین روش استفاده می شود.

در باب هفتم بوستان می خوانیم:

به خردی درش زجنر و تعلیم کن

به نیک و بدش وعده و بیم کن

نوآموز را ذکر و تحسین و زه

ز توبیخ و تهدید استاده، به

**هفتم: رعایت تفاوت های فردی در تربیت مهم است.**

سعدی با اعتقاد به تفاوت استعدادها و اختلافات فردی می پذیرد که ممکن است با تربیتی واحد و یکسان عده ای بهره ای ببرند و عده ای دیگر نه. باید

همگان بپذیریم که فرزندان، نوآموزان و دانش آموزان در امر یادگیری و فراگیری بسیار با هم تفاوت دارند. گاهی مطالبی آموزنده و مؤثر ممکن است برای عده ای قابل فهم نباشد. اگر چه موضوع اختلافات فردی برای همه قابل فهم است، متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

این انتظار بیهوده ای است که فرزندان و دانش آموزان ما به اندازه هم توان فراگیری و پیشرفت تحصیلی و تربیتی داشته باشند، چون امری محال و نشدنی است. از دیدگاه سعدی، دانش آموزان براساس استعداد و توان خود از تعلیم و تربیت بهره می گیرند. خوشبختانه امروز در نظام آموزشی کشور به این امر اهمیت داده می شود. سعدی در حکایت ششم از باب هفتم گلستان می نویسد:

« پادشاهی پسری را به ادیبی داد و گفت این فرزند توست ، تربیتش هم چنان کن که یکی از فرزندان خویش. ادیب خدمت کرد و متقبل شد و سالی چند بر او سعی کرد و به جایی نرسید و پسران ادیب در فضل و بلاغت منتهی شدند. ملک دانشمند را مؤاخذت کرد و معاتبست فرمود که وعده خلاف کردی و وفا به جا نیاوردی. گفت: بر رأی خداوند روی زمین پوشیده نماند که تربیت یکسان است و طباع مختلف.

گرچه سیم و زر ز سنگ آید همی

در همه بستگی نیاشد زر و سیم

بر همه عام همی نابد سهل

جایی انسان می کند جایی آدم

**فهرست منابع:**

- یوسفی ، غلام حسین ( ۱۳۵۵ ) . دیداری با اهل قلم . مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی .
- دلشاد تهرانی ، مصطفی ( ۱۳۸۵ ) . سیری در تربیت اسلامی ( چاپ هشتم ) . تهران : انتشارات دریا .
- حجتی ، سید محمد باقر ( ۱۳۷۸ ) . اسلام و تعلیم و تربیت ( چاپ چهاردهم ) . تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی .
- غزالی حکم
- مستد احمد بن حنبل . بیروت : انتشارات دار صادر . چاپ چهارم .



پسوند